

راه‌یابی «آیین بدنویسی» به نوشته‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی: نگاهی به مشکلات ویرایشی در مقاله‌های مجلات جاری

حیدر مختاری^۱، حمیدرضا رضایی امیدی^۲، سودابه نوذری^۳

چکیده

مقدمه و هدف: اصل درست‌نویسی اصل مشترک نوشتن به یک زبان است. درست‌نویسی، به‌ویژه در نوشتار علمی ضروری و عامل روان و سلیس بودن متن است. هدف این مطالعه نگاهی نقادانه به مسائل و مشکلات ویرایشی نوشته‌های مربوط به علم اطلاعات و دانش‌شناسی از لابه‌لای مقالات منتشر شده در مجلات جاری این رشته به زبان فارسی است.

روش: تعداد ۸۹ مقاله منتشر شده در آخرین شماره از یازده عنوان مجله فارسی این رشته، در تابستان و پاییز ۱۳۹۲ تحلیل محتوا و از نظر مسائل ویرایشی در سه نوع ویرایش (فنی، ساختاری-زبانی، و محتوایی یا تخصصی) بررسی شد.

یافته‌ها: نتایج نشان دهنده وجود نارسایی‌های زیاد در این زمینه و حاکی از راه‌یابی «آیین بدنویسی»^۴ به نوشته‌های این رشته در هر سه نوع ویرایش بود.

نتیجه‌گیری: آموزش کاربردی زبان فارسی در دوره تحصیلات دانشگاهی، دقت نویسندگان در نوشتن مقالات، حساسیت داوران و وسواس ویراستاران برای رفع نسبی این نارسایی‌ها لازم است.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، مجلات، مقالات، ویرایش

۱ استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه پیام نور (mokhtariadz@gmail.com)

۲ دکتری زبان و ادبیات فارسی و مدرس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

۳ دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی و استادیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

۴ این عبارت را از زنده‌یاد دکتر عباس حرّی (۱۳۷۰) عاریت گرفته‌ایم.

مقدمه

نقش اصلی زبان، پیام‌رسانی در دو قالب گفتاری و نوشتاری است. زبان دو نوع ارتباط، ارتباط با خود (اندیشیدن) و ارتباط با دیگران (انتقال اندیشه) را ممکن می‌سازد. توسعه تمدن بشری مرهون پیدایش و تکامل زبان است؛ چرا که زبان اندیشیدن، را آسان و سریع و البته، پیچیده، انتزاعی و گسترده می‌کند. دیگر ابزارهای اندیشه و انتقال اندیشه -چون نوشتن و خواندن- به کمک زبان کار می‌کنند. تمدن بشر، جز با زبان به این‌جا نمی‌رسید و پایدار نمی‌ماند.

زبان سازوکاری عملی دارد که باید فراگرفت تا بتوان آن را درست به کار برد. هر چند هر گونه زبانی نوشتاری -چه علمی و چه ادبی- آداب، هنجارها و شیوه‌های مخصوصی برای نگارش دارد، اصل «درست‌نویسی» اصل مشترک همه گونه‌های زبانی نوشتاری است.

برخی گمان می‌کنند کاربرد درست زبان کار و وظیفه ویراستاران است؛ در حالی که استفاده درست از زبان، کار و وظیفه همه گویشوران زبان، به‌ویژه نویسندگان انواع نوشتارهاست. عمومیت یافتن نویسندگی به مدد پیدایش و توسعه انواع محمل‌های اطلاع‌گستری مجازی، مانند وبلاگ‌ها، صفحات وب شخصی، گروه‌های بحث و مانند آن، همه ما را به رعایت قواعد درست و زبان معیار^۵ ملزم می‌کند. در چنین محیطی، هر کس باید خود ویراستار مطالب خود باشد.

استفاده نادرست از زبان نه تنها سبب تأخیر و حتی اختلال در پیام‌رسانی می‌شود، بلکه بر پیکره زبان -که حفظ آن وظیفه‌ای همگانی است- آسیب می‌زند. شرط نوشته خوب، عاری بودن

۵. زبان معیار گونه گفتاری یا نوشتاری است که افراد جامعه آن را به منزله الگوی زبان غالب پذیرفته‌اند و اقشار تحصیل‌کرده مشترکاً به کار می‌برند و در موقعیت‌های رسمی (مانند کتاب‌های درسی و مصاحبه‌های رسمی) از آن استفاده می‌شود. البته زبان معیار مفهوم مطلق نیست و در تعریف آن اختلاف نظر هست (رضایی، ۱۳۸۵). در کل، زبان معیار باید دور از سره‌نویسی، عربی‌نویسی، گرت‌برداری از زبان‌های بیگانه و غلط‌های املائی و دستوری باشد (سمیعی، ۱۳۸۹).

آن از انواع غلط‌ها و نارسایی‌های زبانی است. البته در نوشته‌های علمی و دانشگاهی باید مایه علمی و وسواس تخصصی نویسنده را هم در نظر داشت.

زبان علمی زبانی شفاف و با تعبیرهای سراسر است و ساختار آن باید چنان منظم و منطقی باشد که لفظ، بی‌ابهام و در معانی حقیقی یا کنایی مشهورش به‌کار رود (سمیعی، ۱۳۸۹). کلمات در زبان علم، حجاب معنا نیستند و جملات زودفهم، ساده و بی‌پیرایه‌اند. اقتصاد زبان اقتضا می‌کند به‌ویژه در نوشته‌های علمی، مطالب تا حد امکان سلیس، ساده و زودفهم باشد. لازمه این کار آن است که نویسنده دشواری‌هایی بر خود تحمیل کند و متن نوشته شده را بارها از همه نظر بپیراید.

اما راستی، آیا زبان نوشتاری را در نوشته‌های علمی درست به‌کار می‌بریم؟ نوشته‌های علمی ما چقدر با زبان معیار و درست فاصله دارد؟ تجربه دو تن از نویسندگان این مقاله در طول سال‌ها تدریس، تحقیق و مطالعه در قلمروهای مختلف علم اطلاعات و دانش‌شناسی نشان می‌دهد برای بسیاری از ما، کاربرد درست زبان فارسی دشوار است. البته، این دشواری و نقص منحصر به نوشته‌های این رشته دانشگاهی نیست. روزانه با مطالب علمی فراوانی در حوزه‌های مختلف علمی روبه‌رو می‌شویم که از نظر درست‌نویسی نقص دارد و فهم آنها برایمان دشوار و حتی گاه ناممکن است. چنین نقص و نارسایی در ترجمه‌های متون علمی نمود بیشتری دارد. این مسئله هشدار می‌دهد که بر این که فرآیند تبادل پیام در این نوشته‌ها دشوار است و چه بسا وقت خواننده برای درک جملات و عباراتی که با اندک دقت نویسنده می‌توانست بی‌ابهام و روان باشد، به‌هدر می‌رود. وانگهی، رایج شدن غلط‌نویسی ذائقه جامعه علمی را عوض می‌کند و متعاقب آن، بر پیکره درست و رسای زبان فارسی - که پاسداشت آن وظیفه همه ماست - آسیب می‌زند.

بر این اساس، هدف این مطالعه نگاهی نقادانه به مسائل و مشکلات ویرایشی (زبانی) نوشته‌های مربوط به علم اطلاعات و دانش‌شناسی از لابه‌لای مقالات منتشر شده در مجلات جاری این رشته است. نتایج این بررسی نقادانه می‌تواند جامعه علمی این رشته را نسبت به رعایت اصول درست‌نویسی حساس کند و نویسندگان را به جستن راه‌کارهایی برای تقویت توانایی‌های زبانی

خود ترغیب کند و نیز برای ویراستاران و داوران نوشته‌های علمی این رشته (و دیگر رشته‌ها) نیز آموزنده است.

گفتنی است هر چند در باره ویراستاری، کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی نوشته شده است (نگاه کنید به فهرست روزآمد این منابع در *راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی* (ذوالفقاری، ۱۳۸۷، پ. ۳)، بخش «کتابشناسی ویرایش»، در باب مشکلات ویرایشی نوشته‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی، پژوهشی انجام نشده است و جای چنین پژوهشی با توجه به اهمیت پاسداشت زبان فارسی در شرایط کنونی و هجوم انواع ترجمه‌ها و نوشته‌های غیررسمی و ویرایش نشده به این رشته، به‌ویژه در محیط مجازی تاکنون خالی مانده است.

روش

این تحقیق نوعی تحلیل محتواست که در تابستان و پاییز ۱۳۹۲ انجام شد. ابتدا تمامی مقالات منتشر شده در آخرین شماره «چاپ شده» مجلات جاری علم اطلاعات و دانش‌شناسی به زبان فارسی، تک‌تک، از نظر رعایت قواعد درست‌نویسی بازخوانی شد. در ادامه، نارسایی‌های ویرایشی مهم این مقالات مشخص و سپس این نارسایی‌ها از نظر نوع تفکیک شد. آنچه در این مقاله مطرح شده است، اشاره به توضیح برخی از مصادیق مهم و پرکاربرد غلط‌نویسی در این نوشته‌ها بوده است. جدول ۱ اطلاعات کتابشناختی مجلات بررسی شده (ده عنوان مجله) و تعداد مقالات هر کدام از آنها (در مجموع ۸۹ عنوان مقاله) را نشان می‌دهد. گفتنی است، حین انجام پژوهش، نسخه چاپی مجله تازه تأسیس علم اطلاعات و نسخه‌شناسی (دانشگاه امام رضا) و نیز مجله مطالعات کتابداری و علم اطلاعات (متعلق به دانشگاه شهید چمران اهواز) در دسترس نویسندگان نبودند.

جدول ۱. اطلاعات کتاب‌شناختی مجلات و تعداد مقالات بررسی شده آنها

ردیف	عنوان مجله	دوره (شماره)	تاریخ نشر	تعداد مقالات بررسی شده
۱	اطلاع‌شناسی	۸ (۴)	زمستان ۱۳۸۹	۹
۲	پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات	۲۸ (۱)	پاییز ۱۳۹۱	۱۲
۳	پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی	۲ (۱)	بهار و تابستان ۱۳۹۱	۱۳ (شامل سخن سردبیر)
۴	تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی	۱۸ (۴)	زمستان ۱۳۹۱	۹ (شامل سخن سردبیر، و نقد کتاب)
۵	تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی	۴۶ (۵۹)	بهار ۱۳۹۱	۷ (شامل سخن سردبیر)
۶	دانش‌شناسی (علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات)	۵ (۱۹)	زمستان ۱۳۹۱	۸
۷	کتابداری و اطلاع‌رسانی	۱۵ (۴)	زمستان ۱۳۹۱	۱۳ (شامل سرسخن)
۸	کتاب ماه: کلیات	۱۶ (۶)	خرداد ۱۳۹۲	۶ (شامل دو دیدگاه)
۹	گنجینه اسناد	۲۲ (۴)	زمستان ۱۳۹۱	۱
۱۰	مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات	۲۳ (۴)	زمستان ۱۳۹۱	۱۱

ملاک اصلی در استخراج و دسته‌بندی نارسایی‌های ویرایشی این مقالات، نکات ویرایشی مطرح شده در کتاب راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی (ذوالفقاری، ۱۳۸۷) بود. این کتاب ضروری-

ترین و کاربردی‌ترین مسائل ویرایشی را مطرح و نکات ویراستاری نوشته‌های علمی را به سه بخش تقسیم کرده است: فنی، ساختاری-زبانی و محتوایی (تخصصی).^۶ هر کدام از این سه بخش دارای زیربخش‌ها و فرعیات متعددی است (جدول ۲). البته در این کتاب به ویرایش محتوایی چندان پرداخته نشده است و نویسندگان این مقاله، به مدد کسب تجربه در داوری مقالات و نوشتن و ترجمه آثاری چند، خود به دسته‌بندی در مبحث ویرایش محتوایی در این نوشته اقدام کرده‌اند؛ چه پرداختن به مسائل ویرایش محتوایی مجال دیگری می‌طلبد. رعایت قواعد این هر سه نوع ویرایش و عاری کردن نوشته از نارسایی‌های مربوط به آنها لازمه نشر آثار علمی-پژوهشی است. به دلیل محدودیت فضا، امکان درج و تبیین همه موارد و مصادیق نارسایی‌های ویرایشی این مقالات وجود نداشت و فقط برخی مصادیق بارز این کاستی‌ها مشخص شده است. واحد تحلیل در هر نوع ویرایش، بسته به ماهیت آن، کلمه، عبارت، جمله و گاهی ترکیبی از اینها بوده است. برای نمونه، واحد تحلیل در ویرایش فنی عمدتاً کلمه، و در ویرایش ساختاری-زبانی کلمه، عبارت یا جمله بوده است.

یافته‌ها

در این قسمت، غلط‌ها و نارسایی‌های ویرایشی مقالات مطالعه‌شده از نظر ویرایش فنی، ویرایش ساختاری-زبانی و ویرایش محتوایی و زیربخش‌های هر یک، به ترتیب مطرح می‌شوند. ابتدا برای سهولت کار، بخش‌ها و زیربخش‌های این سه نوع ویرایش در جدول ۲ عرضه می‌شود.

۶ ویرایش فنی جنبه صوری دارد و شامل اصلاح نشانه‌گذاری‌ها، کاربرد املائی درست، یک‌دست کردن رسم‌الخط، رعایت علائم اختصاری، عددنویسی و... است. ویرایش ساختاری-زبانی پیراستن نوشته از خطاها و ابهام‌های زبانی و نزدیک کردن آن به زبان معیار است و شامل اصلاح ساختار دستوری، تصحیح غلط‌های معنایی و منطقی، کوتاه کردن جملات، حذف عناصر زائد و نظایر آنهاست. در ویرایش محتوایی یا تخصصی، نوشته از نظر درستی مطالب علمی و رفع اشکالات تخصصی آن بررسی و تصحیح می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۵؛ سمیعی، ۱۳۸۹: چند جا).

جدول ۲. فهرست عناوین و بخش‌های اصلی و فرعی مربوط به سه نوع ویرایش

نوع ویرایش	بخش‌ها	بخش فرعی	بخش فرعی‌تر
فنی	نشانه‌گذاری		
	شیوه خط فارسی		
	املائی واژگان		
	عددنویسی و کوتاه‌نوشت‌ها		
ساختاری - زبانی	خطاهای واژگانی، تعبیری و اصطلاحی	کاربرد نادرست واژگان، تعبیر و الگوهای بیگانه	<ul style="list-style-type: none"> - واژه‌های قرضی غیرلازم - معادل‌یابی غلط - گرت‌برداری لفظی - گرت‌برداری معنایی - گرت‌برداری نحوی
		کاربرد نادرست واژگان، تعبیر و اصطلاحات فارسی	<ul style="list-style-type: none"> - تعبیر کلیشه‌ای - تعبیر متناقض و متضاد - تعبیر عامیانه - تعبیر نارسا - تکرار زائد واژگان - واژگان عربی در فارسی
	خطاهای دستوری	کاربرد نادرست جمله	<ul style="list-style-type: none"> - درازنویسی - ابهام دو یا چندمعنایی بودن - خطاهای منطقی

نوع ویرایش	بخش‌ها	بخش فرعی	بخش فرعی‌تر
		کاربرد نادرست فعل	<ul style="list-style-type: none"> - ناهماهنگی نهاد با فعل - حذف بی‌قرینه فعل - ناهماهنگی زمان با وجه افعال - کاربرد نادرست وجه وصفی - کاربرد نادرست افعال وجهی - کاربرد نامناسب افعال معین - انتخاب فعل نامناسب - دوری اجزای فعل از هم - استفاده از فعل‌های بلند - مفعول نابه‌جا
			کاربرد نادرست حروف
محتوایی	با توجه به ضرورت بررسی این نوع ویرایش در نوشته‌ای مستقل، تنها مصادیق کلی آن در اینجا برشمرده شده است		

در اینجا، فقط تعدادی از این غلط‌های ویرایشی در هر بخش/بخش فرعی/بخش فرعی‌تر تبیین و هر کدام از اجزای نارسا یا نادرست عیناً از مقالات بررسی شده نقل و نوشته می‌شود. مطالب غیرلازمی که آوردن آنها این مقاله را طولانی می‌کرد، از این اجزای نقل شده -با جاگذاری علامت سه نقطه- حذف شده‌اند. پس از نقل هر جزء، علت نارسایی ویرایشی آن، داخل پرانتز ذکر و سپس آن جزء، در صورت لزوم، درست‌نویسی شده است.

الف. ویرایش فنی

الف-۱. نشانه‌گذاری

با این که نشانه‌گذاری درست، عامل رفع بسیاری از ابهام‌ها و ساده‌ترین روش درست‌نویسی است، در مقالات بررسی شده استفاده نابه‌جا یا استفاده نکردن از این نشانه‌ها (به ویژه ویرگول، نقطه و ویرگول نقطه) چشم‌گیر و فراوان است.

این پژوهش در پی آن است تا ... راهبردهای انتشاراتی و میزان مشارکت دانشگاه‌ها را مورد بررسی قرار دهد (نبود نقطه پایان جمله خبری)

از دانش‌آموختگان کتابداری و اطلاع‌رسانی انتظار می‌رود که بتوانند در محیط کارشان با وب ۲ کار کنند، بنابراین آموزش فناوری‌های وب ۲ به آنها لازم است. (استفاده غلط از ویرگول به‌جای ویرگول نقطه و استفاده نکردن از ویرگول بعد از جزء قیدی بنابرین)

دانش درباره طولانی، مدت به عنوان منبع کلیدی برای سازمان‌ها در نظر گرفته شده... است. (استفاده نابه‌جا از ویرگول) نتایج مشابهی ... در کشورهای در حال توسعه، نشان داد که ... (ویرگول لازم نیست)

اطلاعات پایگاه‌های اطلاعاتی با میانگین (۶/۷۴) بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. (استفاده غیرضروری از پرانتز) هدف کتابخانه بین‌المللی، تحقق بخشیدن به فلسفه «کتاب‌های کودکان پلی به سوی جهان و راهگشای آینده، می باشد»... (استفاده نابه‌جا از هر دو ویرگول و بستن گیومه در غیر جای خود که در اصل بعد از کلمه آینده است) کتابخانه‌های ملی معمولاً به دولت متبوع خود وابستگی دارند در نتیجه اهداف و وظایفشان نیز در جهت و همسو با اهداف و سیاست‌های کشور متبوعشان است. (استفاده نکردن از نقطه و ویرگول بعد از فعل جمله اول و ویرگول بعد از جزء قیدی در نتیجه).

مارکینک و یکر اظهار می‌کند «با استفاده از الگوهای ...» (استفاده نکردن از دو نقطه بیانی قبل از نقل قول مستقیم) خطوط نسخ، ثلث، محقق (استفاده نابه‌جا از ویرگول دوم به‌جای حرف ربط و) باید بررسی شود که آیا این تفاوتها از نظر آماری نیز معنادار است یا خیر؟ (استفاده نابه‌جا از علامت سؤال به‌جای نقطه در این جمله سؤالی غیرمستقیم)

3. Irandoc. گذاشتن نقطه در پایان اصطلاح مندرج در پانویس بی‌معناست.

الف-۲. شیوه خط فارسی

در شیوه خط فارسی باید اصولی را مد نظر داشت که مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی است (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۱). رعایت این اصول به یک‌دستی خط کمک می‌کند. در

رسم الخط فارسی امروز اصل بر جدانویسی کلمات با رعایت حد نیم‌فاصله بین کلمات مرکب دارای واحدهای معنایی مستقل است. نوشته‌های مورد بررسی از این نظر یک‌دست نیست. به علاوه، رعایت نکردن یک‌دستی در رسم الخط سراسر متن و بی‌توجهی به قواعد نگارش همزه، ضمائر ملکی و افعال اسنادی، پسوندها و نشانه‌های کسره اضافه و تنوین نیز دیده می‌شود. گذاشتن دو فاصله تایی به جای یک فاصله تایی بین کلمات و استفاده از فاصله به جای نیم‌فاصله در کلمات مرکب و گاه افتادگی فاصله تایی میان کلمات را هم باید به این سیاهه افزود. استفاده از *ء* و *ی* و گاه استفاده نکردن از هیچ علامتی برای کسره اضافه کلمات مختوم به *های غیرملفوظ* (ی میانجی، مثلاً در برنامه/برنامه‌ی بلندمدت)، حتی در متنی واحد بسیار مشهود است.

کلیه رکوردهای موجود (نوشتن ی میانجی، درست: کلیه/کلیه رکوردهای موجود)

چند رشته ای و میان رشته ای (استفاده غلط از فاصله به جای نیم‌فاصله برای کلمات مرکب چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای) کشورها است (گذاشتن الف اضافه، درست: کشورهاست)

بیانیدشند (گذاشتن الف اضافه، درست: بیندیشند)

بعمل نیامده (چسباندن «به» حرف اضافه به کلمه بعدی، درست: به‌عمل نیامده)

اطلاعات با ارزشی (گذاشتن فاصله بین اجزای صفت مرکب با ارزش)

تفاوت معنی دار / تحلیل محتوی (استفاده غلط از *ی* به جای الف برای نشان دادن الف کوتاه، درست: تفاوت معنادار / تحلیل محتوا)

کم درآمدها (گذاشتن فاصله بین دو جزء صفت مرکب به جای گذاشتن نیم‌فاصله بین آنها)

امضای قرار داد (گذاشتن فاصله تایی بین کلمه ساده قرار داد)

می آیند (استفاده از فاصله بین پیشوند فعلی *می* و فعل، به جای نیم‌فاصله)

آنست (ترکیب غلط دو کلمه، درست: آن است)

پرسشنامه ها (استفاده از فاصله تایی بین کلمه و علامت جمع «ها»، درست: پرسشنامه‌ها)

سابقه خدمتی (استفاده از دو فاصله تایی به جای یک فاصله تایی بین دو کلمه)

اجزاء اصلی (به جای اجزای اصلی)

اشیای فیزیکی (به جای اشیای فیزیکی)

کافیست (به جای کافی است)

درجامعه (نگذاشتن فاصله تایی بین دو کلمه مستقل)

نمیدانستند (پیوسته‌نویسی غیرمتعارف، درست: نمی‌دانستند)

به سزایی (جدا کردن پیشوند صفت‌ساز «ب» از کلمه اصلی، درست: بسزایی)

بصورت (پیوسته‌نویسی حرف اضافه «به»، درست: به‌صورت)

استثناء (آوردن همزه لازم نیست. درست: استثنا)

الف-۳. املائی واژگان

هر متنی، هر چند غنی و سلیس، با وجود غلط‌های املائی نارسا جلوه می‌کند. در نوشته‌های بررسی شده غلط‌های املائی (عمدتاً غلط‌های تایپی) دیده می‌شود. یک‌دست نبودن املائی کلمات و اسامی بیگانه هم بارز است. برخی کلمات به اشتباه تکرار شده‌اند و برخی حروف و کلمات هم جافتاده-اند.

عربستان سعودی (به‌جای عربستان سعودی)

ملک مهد (به‌جای ملک فهد)

بازخور (به‌جای بازخورد)

درص (به‌جای درصد)

رائه (به‌جای ارائه)

پزوهش (به‌جای پژوهش)

ایده‌آل (به‌جای ایده‌آل)

کهدر (به‌جای که در)

گریده (به‌جای گردیده)

پیداسازی (به‌جای پیاده‌سازی)

در مواجهه با (به‌جای در مواجهه با)

غیر تصاوفی (به‌جای غیرتصادفی)

موقعیتی (به‌جای موقعیتی)

عطا پاداش (به‌جای اعطای پاداش)

ڈلان / کُنستا (اسامی خاص خارجی) (درست: دولان / کونستا که در اینها واو نشانگر ضمّه است.)

الف-۴. عددنویسی و کوتاه‌نوشت‌ها

در این زمینه هم نقص و نارسائی‌های چشمگیر در مقالات دیده می‌شود.

تولید ۱۱۲۴۶۲۷ مدرک (استفاده نکردن از علامت ویرگول برای خواننده شدن آسان، به صورت سه رقم سه رقم از سمت راست برای خواننده شدن آسان. درست: ۱،۲۴،۶۲۷)

تعداد ۳.۴ نقص در هر میلیون فرصت خرابی و نقص (استفاده غلط از نقطه به جای ممیز (/) برای جداکردن عدد اعشاری فارسی که در عددنویسی لاتین مرسوم است).

۹۶/. (استفاده غلط از نقطه به جای صفر قبل از ممیز)

سطح معناداری بزرگتر از 0/05 (استفاده غیرضروری از صفر قبل از ممیز و ممیز به جای نقطه به تبعیت از عددنویسی فارسی. درست: 05. و درست‌تر: ۰/۰۵)

۲ عنوان از کتاب‌های مرجع، منابع جغرافیایی هستند. (استفاده از رقم (۲) به جای حروف (دو) در ابتدای جمله (الف اطلاعات جمعیت‌شناختی ب... ج... ه) انتظار کتابداران از نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای. (استفاده غلط از حروف ابجدی، یعنی ه به جای د)

سازمان اسناد و کتابخانه ج.ا.ا. (به جای سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ا.)

ب. ویرایش ساختاری-زبانی

ب-۱. خطاهای واژگانی، تعبیری و اصطلاحی

این خطاها شامل کاربرد نادرست واژگان و عبارات در متن است. دوری از این خطاها از ضرورت-های نوشته‌های علمی سلیس است.

ب-۱-۱. کاربرد نادرست واژگان، تعابیر و الگوهای بیگانه

در این کاربرد نادرست که بیشتر به علت اهمال در ترجمه پیش می‌آید و متداول می‌شود، ساخت اجزای زبانی زبان مبدأ (مثل زبان انگلیسی) وارد زبان مقصد (اینجا، زبان فارسی) می‌شود.

ب-۱-۱-۱. واژه‌های قرضی غیرلازم

برخی واژه‌های بیگانه معادل/معادل‌های مناسبی در زبان فارسی دارند. در مقالات بررسی شده، گاه به جای این واژگان پذیرفته شده، واژگان بیگانه آوانویسی شده است.

آیتم (به جای فقره، جزء)

اکانت (به جای حساب کاربری)

تاپیست (به جای حروفچین)

تست (به جای آزمون)

دامین (به جای دامنه)

فاکتور (به‌جای عامل)

پروسه (به‌جای فرآیند)

استراتژی (به‌جای راهبرد)

شلف لیست (به‌جای رف‌برگه)

مد (به‌جای نما)

ب-۱-۲. معادل‌یابی غلط

معادل‌یابی غلط و غیرمتداول در آثار بررسی شده دیده می‌شوند.

غیرچارچوبی (ترجمه غلط de-contextualized به‌جای بسترزدایی شده)

شناخت‌شناسی (ترجمه غیرمتداول از epistemology به‌جای معرفت‌شناسی)

سیستم پرسش و پاسخ (ترجمه غلط question answering system به معنای نظام پاسخ‌گویی به پرسش‌ها)

بنیاد کیفیت اروپا (ترجمه غلط عبارت European Foundation for Quality Management به معنای بنیاد

اروپایی مدیریت کیفیت)

طرح آزمون مقدماتی و نهایی (ترجمه غلط pretest-posttest design به معنای طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون)

ب-۱-۳. گرت‌برداری لفظی

در گرت‌برداری لفظی، ترجمه معنای واژه به فارسی خلاف زبان اصلی است.

ادبیات تحقیق (گرت‌برداری لفظی از literature انگلیسی، در اینجا به معنای پیشینه یا سابقه)

توقع/انتظار می‌رود (به‌جای امید است)

احتمال می‌رود (به‌جای ممکن است)

نقطه‌نظر (به‌جای دیدگاه)

قابل ملاحظه (گرت‌برداری لفظی از considerable به معنای زیاد، چشمگیر یا فراوان)

ب-۱-۴. گرت‌برداری معنایی

در گرت‌برداری معنایی فقط یکی از معانی واژه بیگانه در همه موارد به کار می‌رود.

فراوانی بالا / درصد بالا (استفاده از معنای متداول high که در اینجا به معنای زیاد است. درست: فراوانی زیاد و جز

آن. چنین است پایین به‌جای کم با گرت‌برداری معنایی از low، به‌طور مثال در نسبت پایین، درست: نسبت کم).

افزایش حجم متون و مدارک / حجم زیاد منابع اطلاعاتی / حجم زیادی از متون در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی

(گرت‌برداری معنایی از volume که در اینجا به معنای میزان و تعداد است)

باور عمومی از علم (باور فقط یکی از معانی belief انگلیسی است. معنای دیگر آن اعتقاد است. درست: اعتقاد عموم به علم)

کتابداران درگیر با پژوهشگران (گرفته‌برداری معنایی از engage انگلیسی. درست: کتابداران متعهد به کار با پژوهشگران)

پیشینه‌ای بلند در دنیای سازماندهی اطلاعات (بلند گرفته‌برداری معنایی از long انگلیسی و در اینجا به معنای دراز است.)

نرخ دقیق سرانه مطالعه (نرخ گرفته‌برداری معنایی از rate انگلیسی و در اینجا به معنای میزان است، نه نرخ) یک اجماع کلی / یک تأخیر طولانی / یک تبادل تصمیمات / یک تغییر کلی / یک توافق اولیه / یک سیر تاریخی مشخص / یک رفتار نامناسب / یک همکاری منحصر به فرد (یک در این نمونه‌ها زائد و گرفته‌برداری نحوی از a و an انگلیسی، برای بیان حالت کلی و نکره بودن اسم است)

به عنوان (گرفته‌برداری معنایی از as انگلیسی که گاهی زاید است و گاهی معنای دیگری دارد) امروزه کتابداران و اطلاع‌رسانان به عنوان مشاوران حرفه‌ای و اطلاعاتی محسوب می‌شوند (به عنوان زاید و حذف-شدنی است.)

یکی گنجانیدن آموزش این ابزارها به عنوان چند واحد درسی و دیگری استفاده از این ابزارها در آموزش دروس دیگر به عنوان ابزار کمک آموزشی... (گرفته‌برداری معنایی از به عنوان. به جای اولی در قالب و به جای دومی از در نقش یا به منزله می‌توان استفاده کرد.)

ارزش بیش از ۱۳ (گرفته‌برداری معنایی از value. اینجا معنای ریاضی آن، یعنی مقدار درست است، نه ارزش.)
ب-۱-۵. گرفته‌برداری نحوی

در این نوع گرفته‌برداری، ساخت دستوری زبان مبدأ به زبان مقصد تحمیل می‌شود. این جامعه است که هزینه زندگی و فعالیت علمی آنها را می‌پردازد (این و است زاید و گرفته‌برداری نحوی از جملات مشابه در زبان انگلیسی دارای it یا this به جای فاعل (preparatory it/this) است؛ درست: جامعه هزینه زندگی ... را می‌پردازد.)

زیرا این کاتب بود که ابتدا در اندازه قلم و نوع خطوط مورد استفاده اعمال سلیقه می‌کرد. (این و بود زاید و گرفته-برداری نحوی از جملات مشابه در زبان انگلیسی است. درست: زیرا کاتب ابتدا در اندازه ... اعمال سلیقه می‌کرد.)
شیء داده بایستی توسط اطلاعات بازنمایی تکمیل شود تا بتواند توسط کاربران مورد نظر آرشو، تماشا شده و کاملاً فهمیده شود (ساخت جمله مجهول با فاعل معلوم به جای جمله معلوم، با گرفته‌برداری نحوی از جملات انگلیسی. درست: اطلاعات بازنمایی باید شیء داده‌ای را تکمیل کند تا کاربران آرشو بتوانند آن را ببینند و کاملاً درک کنند.)

کتاب مهمترین منبع برای کسب اطلاعات توسط جامعه مورد پژوهش می‌باشد (گرفته‌برداری نحوی از جملات مجهول انگلیسی. درست: کتاب مهم‌ترین منبع جامعه پژوهش برای کسب اطلاعات است.)
 حوزه عمومی جایی است که با زندگی عمومی مردم در ارتباط است (گرفته‌برداری نحوی از جملات موصولی انگلیسی. درست: حوزه عمومی با زندگی عمومی مردم ارتباط دارد.)

ب-۱-۲. کاربرد نادرست واژگان، تعابیر و اصطلاحات فارسی

این نوع کاربرد نادرست عامل ابهام و پیچیدگی عبارات و جملات و دیرفهمی آنهاست.

ب-۱-۲-۱. تعابیر کلیشه‌ای

این تعابیر حاصل کاربرد واژگان و عباراتی چندمعنایی است.
 عینیت آنها زیر علامت سؤال است (به‌جای عینیت آنها تردیدپذیر است)
 عدم‌رعایت (به‌جای رعایت نکردن)

عدم‌داشتن دانش کتابداری (به‌جای نداشتن دانش کتابداری)

فقدان دانش کاربران درباره (به‌جای اطلاع‌نداشتن کاربران از)

ب-۱-۲-۲. تعابیر متناقض و متضاد

در این تعابیر بخشی از اجزا با بخش دیگر ناهمخوان و متناقض است.

زبان فارسی ... در رویارویی با محیط‌های الکترونیکی، با دشواریهایی روبه‌روست که تأثیر بسزایی بر اثربخشی بازیابی اطلاعات می‌گذارد (دشواری‌هایی با تأثیر بسزایی تناقض دارد و احتمالاً منظور تأثیر منفی باشد).

... از کاهش رتبه برخوردارند/ از روندی کُند، بلندمدت و هزینه‌بر برخوردار است (برخورداری برای امور مثبت و مطلوب است، نه امور منفی و نامطلوبی مثل کاهش رتبه و جز آن)

دانشجویان دانش‌آموخته (به‌جای دانش‌آموختگان)

شاید نخستین مرحله را باید مجموعه‌ای از جلسات ... دانست... (استفاده همزمان از شاید و باید در یک جمله. شاید به معنای احتمالاً با باید به معنای الزاماً متناقض است.)

ب-۱-۲-۳. تعابیر عامیانه

کاربرد تعابیر عامیانه در متن علمی که رسمی و روان است، ناشایست و چه بسا زننده است.

بد نیست نگاهی بیندازیم به چند نمونه ... (استفاده از تعبیر عامیانه بد نیست به‌جای بهتر / شایسته است و نگاهی بیندازیم به‌جای توجه کنیم).

مشتریان اصلی و پر و پا قرص (استفاده از عبارت عامیانه پروپا قرص به‌جای همیشگی)

هر کس به راحتی از پس آن برنمی‌آید (کاربرد تعبیر عامیانه از پس برنیا آمدن در متن علمی به معنای از عهده برنیا آمدن)

به خاطر این است که (تعییر نامناسب و عامیانه به خاطر به جای برای) در انتخاب آن باید نهایت دقت به خرج داده شود (درازنویسی عامیانه. درست: در انتخاب آن باید بسیار دقت کرد.) اگر هم مطالعه‌ای داشته باشند (تعییر عامیانه مطالعه داشتن به جای مطالعه کردن)

ب-۱-۲-۴. تعابیر نارسا

ب-۱-۲-۱. حذف برخی اجزا

افراد دارای نیاز به شناخت سطح بالا بر اساس تحلیل اندیشمندانه کیفیت اطلاعات مرتبط به اندیشیدن درباب مطالب و پیام‌های اقناعی می‌پردازند (افراد ... بر پایه تحلیل اندیشمندانه از کیفیت اطلاعات مرتبط، درباره مطالب و پیام‌های اقناعی می‌اندیشند.)

رتبه‌بندی فریدمن معیارهای اصلی (کوتاه‌سازی نابه‌جای عبارت. درست: رتبه‌بندی معیارهای اصلی به کمک آزمون فریدمن)

استانداردهای فراداده‌ای که برحسب کارکرد مدیریت بر آنها اطلاق شده است ... (حذف نابه‌جای چند جزء معنادار از جمله. درست: استانداردهای فراداده‌ای که دارای کارکرد مدیریتی هستند....)

ب-۱-۲-۴-۲. جابه‌جایی نادرست

شاخص‌های سنجش اثرگذار مهم (جابه‌جایی بی‌دلیل واژگان. درست: شاخص‌های مهم سنجش اثرگذاری) عمده‌ترین محدودیت دارای خاستگاه یکسان با نقطه قوت به‌کارگیری این مدل است (درست: عمده‌ترین محدودیت این مدل برخاسته از نقطه قوت استفاده از آن است.) بیش‌ترین و کم‌ترین مؤسسه‌های مشارکت‌کننده در همکاری علمی (درست: مؤسسه‌های دارای بیشترین و کمترین همکاری علمی)

ب-۱-۲-۴-۳. کاربرد کلمات نادرست و نادقیق

کنترل سلامت نرم‌افزار (کاربرد سلامت به جای درستی) یکی از وابستگان این موضع «میشل فوکو» است (کاربرد وابستگان به جای طرفداران) بررسی تاریخ راه رفته در رشته (کاربرد غلط راه رفته به جای پیموده شده) اطلاعات مربوط به جمعیت شناختی پژوهش (کاربرد غلط پژوهش به جای آزمودنی‌ها) آثار پیرامون دشواریهای بازیابی / پیرامون ارتباط بین پژوهش و آموزش / پژوهشها پیرامون... (کاربرد غلط پیرامون به جای درباره / دریاب.)

نظم‌دهی شبکه جهانی وب از نابسامانی موجود (کاربرد غلط نظم‌دهی به جای رها کردن) مراحل انجام مطالعات و تحقیقات جهت تدوین مراکز اطلاع‌رسانی (کاربرد غلط تدوین به جای راه‌اندازی)

ب-۱-۲-۴-۴. کاربرد اسم یا ضمیر مفرد به جای جمع

کتابت شده به سال ۷۴۴-۷۴۶ ق (درست: نوشته شده در سال‌های ...)

تصویر ۱۷ و ۱۸ (درست: تصویرهای ۱۷ و ۱۸)

اولین و دومین مرجعی که برای یافتن پاسخ به آن مراجعه می‌کنند (استفاده نادرست از آن به‌جای آنها که جانشین اولین و دومین مرجع است)

ب-۱-۲-۴-۵. اطلاق ویژگی نامناسب به کلمات و عبارات

...کتابخانه‌ها و کتابداران را به عنوان مکان دانش و اطلاعات قلمداد کنند. (کتابدار مکان نیست، فرد است!)
حفظ مهارت‌های کمیاب که نمی‌توانند در محل کار حضور یابند (مهارت در جایی حضور نمی‌یابد. احتمالاً منظور این بوده است: حفظ مهارت‌های کمیابی که در محل کار عرضه‌شدنی نیست).
وظیفه کتابخانه هم کانال فراهم‌آوری منابع مناسب و سازماندهی آنها برای مراجعه‌کنندگان است (کانال فراهم‌آوری منابع مناسب وظیفه کتابخانه نیست؛ کتابخانه کانال فراهم‌آوری منابع مناسب است)

ب-۱-۲-۴-۶. سایر تعابیر نارسا

رضایت از میزان تناسب مطالب ارائه شده با ارتقای معلومات شرکت‌کننده (عبارت نامفهوم و دشوارفهم. درست: رضایت از تناسب مطالب عرضه شده با اطلاعات کنونی شرکت‌کننده)
درک مفید بودن توسط استفاده‌کننده از فناوری اطلاعات و خدمات اینترنتی دانشگاه... (ساخت مجهول به‌جای معلوم به تبعیت از زبان انگلیسی. درست: درک استفاده‌کننده فناوری اطلاعات و خدمات اینترنتی دانشگاه از مفیدبودن این فناوری و خدمات)

مرحله اول انتقال سنی، یعنی مرحله کودکان و نوجوانان (استفاده غلط از اسم، یعنی کودکان و نوجوانان به‌جای صفت، یعنی کودکی و نوجوانی)

ب-۱-۲-۵. تکرار زائد واژگان (حشو)

در این کاربرد نادرست، یکی از کلمات یا عبارات، اضافه یا تکراری و گاه غیرضروری است.

چگونگی کم و کیف فعالیتهای آموزشی (کم و کیف حشو است. چگونگی همان کم و کیف است).

بحث و تبادل نظر پژوهشگران با یکدیگر (با یکدیگر حذف‌شدنی است. معنای با یکدیگر در تبادل نظر نهفته است).

یک رابط کاربری واحد (یک و واحد مترادفند و یک حذف‌شدنی است).

قابلیت فهم‌پذیری (درست: قابلیت فهم یا همان فهم‌پذیری که البته دومی درست‌تر است).

اولین قدم و مهم‌ترین قدم برای مدیریت دانش (قدم اولی زاید و حذف‌شدنی است).

ارتقاء بهبود وضعیت اطلاع‌یابی (بهبود حشو و حذف‌شدنی است).

در پیش از ارائه آموزش / در بعد از آموزش / در قبل از آموزش (حرف اضافه در زائد و غیرلازم است).

در نتایج تحقیق خود دریافت ... (نتایج حشو است. دریافتن مستلزم نتایج تحقیق است).

به احتمال قریب به یقین، علت احتمالی این شرایط... است. (استفاده غیرلازم از به/احتمال قریب به یقین) این نوشتار معرفی نخستین... را معرفی می‌کند. (حشو قبیح: معرفی اول حذف‌شدنی است) عوامل زمینه‌ساز و ایجادکننده زمینه کیفیت زندگی کاری کاربران (ایجادکننده زمینه حشو و تکرار است) مفید فایده/مفید به فایده (کاربرد همزمان دو کلمه مترادف که یکی کافی و گویاست) یکی از مهمترین جنبه‌های مهم درباره این رویکرد (مهم حشو و تکرار نابجاست) امر تحقیقات حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی / امر دورکاری/ بحث ارتباط بین آموزش و پژوهش (مرو بحث حشو و زائدند).

مطالعه تاریخی در گذشته رشته (گذشته حذف‌شدنی است. تاریخی معنای گذشته دارد).

شنیدن یک کتاب از طریق گوش دادن (درازنویسی و حشو قبیح: شنیدن همان گوش دادن است)

ب-۱-۲-۶. واژگان عربی در فارسی

استفاده از کلمات عربی که معادل مناسبی در زبان فارسی دارند و کاربرد برخی نشانه‌های خاص زبان عربی در فارسی شایسته نیست. در مقالات بررسی شده مصادیقی از این کاربرد وجود داشت.

جنس مذکر و مؤنث (به‌جای زن و مرد)

خلع ید نمودن (به‌جای محروم نکردن)

ارجحیت همکاری (به‌جای برتری / اولویت همکاری)

تفاوت فاحش (به‌جای تفاوت زیاد/آشکار)

رافع نیازهای شناختی (استفاده از رافع به‌جای برطرف‌کننده)

احصا شوند (استفاده از احصای عربی به‌جای شمارش فارسی)

متخصصین، شاغلین، محققین، مؤلفین (استفاده از ین، علامت جمع عربی به‌جای ان، علامت جمع فارسی)

آداب‌ها/کتب‌ها (جمع در جمع)

اساتید (جمع بستن کلمه فارسی با وزن‌های جمع مکسر عربی. درست: استادان)

نتایج / داده‌های حاصله، مشکلات / موارد مربوطه، تصمیم متخذه، مقالات منتشره (انطباق نادرست صفت با موصوف از نظر جنسیت به تبعیت از قواعد عربی در مطابقت صفت مؤنث با موصوف جمع مکسر. صفت‌های درست: حاصل، مربوط، گرفته‌شده و منتشرشده)

پیشنهادات (جمع بستن کلمه فارسی با علامت جمع مؤنث سالم عربی. درست: پیشنهادها)

ب-۲. خطاهای دستوری

این خطاها از کاربرد نادرست دستور زبان فارسی ناشی می‌شود و بیشتر در ساخت جمله، فعل و حروف اتفاق می‌افتد. این قبیل خطاها در مقالات بررسی شده بسیار به چشم می‌خورد.

ب-۲-۱. کاربرد نادرست جمله

ب-۲-۱-۱. درازنویسی

در صورت مرخصی کتابدار مربوط، کتابخانه به وسیله کتابداری قرضی از کتابخانه دیگر، اداره و در مواردی از مستخدم کتابخانه استفاده یا در نهایت کتابخانه تعطیل می‌گردد. (درازنویسی ناشی از استفاده نکردن از جملات ساده. درست: وقتی کتابدار مسئول در مرخصی به سر می‌برد، کتابداری از کتابخانه دیگر این کتابخانه را اداره می‌کند. گاه مستخدم کتابخانه عهده‌دار این کار می‌شود و گرنه کتابخانه تعطیل می‌شود.)

این امر برخلاف آن چیزی بود که پژوهشگر انتظارش را داشت. (درازنویسی ناشی از خلاصه‌نکردن منطقی. درست: این خلاف انتظار پژوهشگر بود.)

چالشی که در تعریف کاربردپذیری وجود دارد این است که تعیین ویژگی‌ها و صفات خاصه آن مشکل است (درازنویسی ناشی از خلاصه نکردن. درست: چالش تعریف کاربردپذیری، دشوار بودن تعیین ویژگی‌های آن است.)

وب ۲ ... به پیدایش الگوهای استفاده‌کننده‌محور در بسیاری از حوزه‌هایی که مشارکت استفاده‌کنندگان در آنها حیاتی است، منجر شده است. (درازنویسی ناشی از استفاده از دو فعل پشت سر هم. می‌توان فعل دوم (منجر شده است) را به قبل از که منتقل کرد.)

کمتر دیده شده است که این سند مورد نقد و بررسی کارشناسانه قرار گیرد. (وجود کلمات زائد. درست: این سند کمتر نقد و بررسی کارشناسانه شده است.)

ب-۲-۱-۲. ابهام ناشی از دو یا چندمعنایی بودن جمله

با طراحی مجدد سطح کاربردپذیری از متوسط به خوب ارتقا داده شد (ابهام ناشی از فشردگی و استفاده نکردن از علائم نگارشی. درست: با بازطراحی وب‌سایت، سطح کاربردپذیری آن از متوسط به خوب ارتقا یافت.)

بیشتر آزمودنیها از هر دو گروه علوم انسانی/اجتماعی و علوم پایه/فنی - مهندسی با «جستجوی پیشرفته» رفتار اطلاع-جویی خود را آغاز می‌کردند (ابهام ناشی از جابه‌جایی ارکان جمله. درست: بیشتر آزمودنی‌های هر دو گروه علوم انسانی/اجتماعی و علوم پایه/فنی-مهندسی، اطلاع‌جویی خود را با جست‌وجوی پیشرفته آغاز می‌کردند.)

اعضا آن را غیرضروری نمی‌دانند (جمله دشوارفهم. درست: اعضا آن را ضروری می‌دانند.)

ب-۲-۱-۳. خطاهای منطقی (دشواری یا ناممکن بودن درک معنای جمله)

امروزه ما دانشگاه‌هایی را می‌بینیم که در پاسخ واکنش مؤثر و اثربخش به انقلاب ارتباطات و اطلاعات فناوری مربوط به درس و آموزش تلفیق می‌کنند. (منظور بسیار مبهم است. احتمالاً منظور این باشد: امروزه شاهد دانشگاه‌هایی هستیم که با تلفیق فناوری در آموزش، به انقلاب ارتباطاتی و اطلاعاتی واکنش درخوری نشان می‌دهند.)

هدف کلی این تحقیق تعیین، شناخت، ارزیابی وضعیت و نظرسنجی محققان در خصوص فرهنگ دانشی حاکم بین محققان ... می‌باشد (جمله بسیار مبهم. درست: هدف کلی این پژوهش شناسایی، تعیین، و ارزیابی وضعیت فرهنگ دانشی میان پژوهشگران با نظرسنجی از آنان در این باره است.)

اگر کسی به مقاله ضعیفی را دستبرد زند، نخواهند توانست متوجه کپی شدن آن از روی مقاله ضعیف دیگری شوند. (معنای جمله بسیار مبهم است.)

وی معتقد است که افراد در راستای تغییر دامنه دانش خود ناگزیرند در فرآیند نیز به نوبه خود تحت تأثیر عوامل مختلفی ... قرار بگیرند. (معنای جمله نامشخص است.)

ب-۲-۲. کاربرد نادرست فعل

فعل رکن جمله است و هرخطایی در کاربرد درست آن به کل جمله آسیب می‌زند و درک متن را دشوار می‌کند. در نوشته‌های بررسی شده این نارسایی‌ها بسیارند.

ب-۲-۲-۱. ناهماهنگی نهاد با فعل

کرمی و علیچانی (۱۳۸۷) در مطالعه خود بیان می‌کند... (استفاده غلط از فعل مفرد می‌کند. به جای می‌کنند. برای فاعل جمع و جاندار)

هیچ یک از حوزه‌های علمی قادر نیستند ... (استفاده از فعل جمع نیستند. به جای فعل مفرد نیست برای ضمیر مبهم هیچ‌یک)

شبکه‌ها می‌توانند اطلاعات مفیدی ... نشان دهد. (ناهماهنگی دو فعل دارای یک فاعل از نظر مفرد و جمع)

نوجوان ۱۵-۱۹ ساله نیازمند منابعی هستند.... (استفاده از فعل جمع هستند. به جای است برای نهاد مفرد نوجوان)

ب-۲-۲. حذف بی‌قرینه فعل

حذف فعل بدون قرینه معنوی یا لفظی باعث ابهام در جمله و نارسایی معنای آن می‌شود. حذف بدون قرینه در نوشته‌های بررسی شده بارها و بارها انجام شده است.

... به نقش تأثیرگذار مردم واقف و برای تحقق اهداف ملی برنامه‌ریزی کنند. (حذف بی‌قرینه فعل باشند بعد از واقف)

ارزشهای عمومی ... بررسی و سه نتیجه به دست آمد (حذف بی‌قرینه شد بعد از بررسی)

مدیریت ارشد دانش دانشگاه ... نسبت به اصلاح نظام جبران خدمت اقدام و آموزش و بالندگی را محور توسعه قرار می‌دهد. (حذف بی‌قرینه فعل می‌کند بعد از اقدام)

ب-۲-۳. ناهماهنگی زمان یا وجه افعال در حالت عطف

در حالت عطف دو جمله با "و" بهتر است زمان افعال یکسان باشند.

برخی ضعف توسعه فرهنگ مطالعه را به امور ... مرتبط می‌دانند و ... برای زدون آسیبها ... راهکارهایی ارائه داده‌اند.

(به‌جای ارائه می‌دهند (درست‌تر: عرضه می‌کنند) به تبعیت از فعل اول (مرتبط می‌دانند) و عطف دو جمله با (او)

[این مانع] ما را ... در حالت انفعالی قرار خواهد داد و شرایط را برای نفوذ پیام‌ها ... آماده می‌سازد. (استفاده نادرست از آماده می‌سازد به‌جای آماده خواهد ساخت/کرد)

ب-۲-۴. کاربرد نادرست وجه وصفی

کاربرد وجه وصفی به‌جای فعل، به ویژه به صورت متوالی، کار پیام‌رسانی را مشکل کرده و به تأخیر می‌اندازد و بهتر است فعل را کامل به کار برد. البته کاربرد وجه وصفی همراه با ویرگول بعد از آن، در حد متعارف غلط نیست.

اطلاعات به دست آمده از این طریق را در ماتریسی ... مرتب کرده، وزن‌های به دست آمده برای هر کدام از معیارها را در ماتریس‌های ستونی نرمال شده ضرب کرده ... و اولویت هر گزینه را مشخص می‌کنیم (استفاده از وجه وصفی کرده به‌جای فعل کامل می‌کنیم در دو جمله اول).

ب-۲-۵. کاربرد نادرست افعال وجهی

فعل‌های بایست، بایستی و می‌بایست با افعال ماضی و افعال باید، می‌باید و شاید با افعال مضارع می‌آیند. در نوشته‌های بررسی شده به این موضوع توجه چندانی نشده است.

می‌بایست/ بایست ... ایجاد کنند (درست: باید ... ایجاد کنند)

بایستی در نظر گرفت (درست: باید در نظر گرفت)

باید به کار می‌بردند (درست: بایستی به کار می‌بردند)

ب-۲-۶. کاربرد نامناسب افعال معین

بهتر است به‌جای افعال مرکب قالبی دارای افعال معین «باشیدن»، «نمودن»، «گشتن»، «گردیدن» و «ساختن» از افعال معین «استن»، «کردن» و «شدن» در این افعال مرکب استفاده کرد (البته گاه در مواردی که این افعال معین تکرار می‌شوند، استفاده از افعال معین دسته اول بی‌اشکال است).

کاسته گردد (درست: کاسته شود / کم شود)

اندازه‌گیری می‌نماید (درست: اندازه‌گیری می‌کند / اندازه می‌گیرد)

مطرح نگردیده است (درست: مطرح نشده است)

مشهود / ضروری / لازم / نیاز می‌باشد (به‌جای می‌باشد بهتر است از است استفاده کرد).

مشکل / مجبور می‌سازد (به‌جای مشکل / مجبور می‌کند)

ب-۲-۷. انتخاب فعل نامناسب

تعمیم معنای یک فعل به غیر از کاربرد درست آن از مصادیق زبان غیر معیار است.

دانش مورد نیاز خود را از خارج سازمان منتقل کند (درست: کسب کند)

کار گروهی با توجه [به] ارزش‌های موجود در سازمان اتفاق می‌افتد (استفاده غلط از اتفاق می‌افتد به‌جای انجام می‌شود).

اگر سازمان‌ها بخواهند رفتار مورد نظر کارکنانشان را داشته باشند... (استفاده غلط از فعل داشته باشند. درست: اگر سازمان‌ها در پی رفتار مورد نظر کارکنانشان باشند...)

در سال ۲۰۰۰ نقشه اروپای الکترونیک به انجام رسید... (استفاده نادرست از به انجام رسید به‌جای اجرا / پیاده شد)

ب-۲-۸. دوری اجزای فعل از هم

دوری اجزای فعل مرکب از هم، به ویژه در جملات طولانی دور از فصاحت است.

مجال آن را به صاحب نظران نداده است (دوری اجزای فعل مرکب مجال دادن از هم)

دست به تعمیم و پیش‌بینی و قانون‌سازی می‌زنند (دور از هم شدن اجزای فعل مرکب دست می‌زنند)

نویسندگان را ترغیب به انجام یک طرح پژوهشی نمود. (افتادن فاصله بین اجزای فعل مرکب ترغیب نمودن)

ب-۲-۹. استفاده از فعل‌های بلند

اقبال خاصی معطوف گردد (به‌جای توجه ویژه‌ای شود)

مورد استفاده قرار گرفته شد (به‌جای استفاده شد / به کار رفت)

استفاده به عمل آورند (به‌جای استفاده کنند)

به اجرا گذاشته شده است (به‌جای اجرا شده است)

مورد بررسی قرار گرفته است (به‌جای بررسی شده است)

ب-۲-۱۰. مجهول نابه‌جا

وقتی عامل و فاعل جمله معلوم باشد، کاربرد ساخت مجهول جمله دور از فصاحت و تبعیت از

ساخت جملات انگلیسی است. این کاستی در این نوشته‌ها فراوان است.

در این راستا تلاش شد تا هیچ مداخله‌ای توسط پژوهشگر در کار جستجو و بازیابی اطلاعات توسط دانشجویان صورت نگیرد. (درست: در این راستا، پژوهشگر کوشید در کار جستجو و بازیابی اطلاعاتی دانشجویان مداخله نکند).

وظایف کاری طراحی شده توسط متخصصان، توسط پژوهشگر و استاد راهنما بررسی و از میان آنها شش وظیفه کاری انتخاب گردید. (وظایف کاری طراحی شده متخصصان را پژوهشگر و استاد راهنما بررسی کردند و شش وظیفه کاری را از میان آنها برگزیدند.)

ب-۲-۳. کاربرد نادرست حروف

ب-۲-۳-۱. حروف اضافه (به، با، در، از، بر ...)

پیش و پس از برخی کلمات و عبارات حرف اضافه خاصی به کار می‌رود و برخی کلمات و عبارات بدون حرف اضافه‌اند. گاه از این نکته در مقالات بررسی شده (به‌ویژه وقتی این قبیل کلمات و عبارات با واو عطف به هم می‌پیوندند) غفلت شده است.

استفاده و تعامل با کتابخانه (درست: استفاده از کتابخانه و تعامل با آن)

آشنایی، علاقه، و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (درست: آشنایی با/علاقه به/استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات)

شناخت اندک کاربر درباره مفهوم ... (درست: شناخت اندک کاربر از مفهوم ...)

متقاعد کردن او از ناتوانی در ... (درست: متقاعد کردن او به ناتوانی در ...)

بررسی نقش فاوا بر ... (درست: بررسی نقش فاوا در ...)

غفلت و چه بسا بی‌علاقگی به ... (با غفلت حرف اضافه از به کار می‌رود. درست: غفلت از/و چه بسا بی‌علاقگی به ...)

خوشه‌های موضوعی با مراجعه و بررسی چکیده‌های مدارک تعیین می‌گردند. (بعد از مراجعه حرف به می‌آید و بعد از بررسی حرف اضافه نمی‌آید. درست: خوشه‌های موضوعی با مراجعه به چکیده‌های مدارک و بررسی آنها تعیین می‌شود.)

ب-۲-۳-۲. حرف نشانه (را)

در جملات کوتاه نیازی به حرف نشانه مفعولی را نیست و در موارد دیگر هم این حرف بلافاصله پس از مفعول می‌آید و آوردن آن بعد از کلمات و عباراتی که نقش مفعولی ندارند خطاست.

... بتوانند پرسشنامه تخصصی‌ای که بدین منظور طراحی شده را کامل نمایند. (درست آن است را بعد از مفعول، یعنی پرسشنامه تخصصی‌ای بیاید.)

پژوهش حاضر ... تلاش دارد ... چشم‌اندازی از انتظارات کاربران از خدمات و منابع ارائه شده در کتابخانه ... راترسیم کند. (درست آن است را بعد از مفعول، یعنی چشم‌اندازی بیاید.)

کتابخانه عمومی خدمات رایگان به تمام اقشار جامعه را ارائه می‌کند (هر چند آوردن را بعد از رایگان درست است، در چنین جملات کوتاه نیازی به را نیست.)

خیلی از این آمار و ارقامی را که عرضه می‌شود (را لازم نیست؛ چون عبارت قبل از آن مفعول نیست).

ب-۲-۳. حروف ربط

استفاده از دو حرف ربط در جملات مرکب که یکی حشو است و استفاده غیرلازم از حرف موصول که از خطاهای چشمگیر این مقالات است.

اگر چه بازه زمانی این مطالعات متفاوت است اما همه آنها مبین این مسئله‌اند... (حشو ناشی از کاربرد دو حرف ربط اگر چه و اما که حرف ربط دومی (اما) لازم نیست).

در یک جمع‌بندی کلی ... چنین استنباط می‌شود که ... (حرف ربط که لازم نیست).

ج. ویرایش محتوایی (تخصصی)

هر چند بررسی مقالات از نظر محتوای تخصصی مجال دیگر و پژوهش مستقل می‌طلبد، برخی مصادیق چشمگیر نارسایی‌های این مقالات از این نظر فهرست‌وار ذکر شده‌اند:

- استفاده از عنوان‌های طولانی و مبهم
- استفاده از ساختار پایان‌نامه‌ای که سبب طولانی شدن و تکرار مطالب می‌شود؛ از جمله داشتن مقدمه و بیان مسئله، هدف و سوال‌های پژوهش، بخش‌های جداگانه برای روش و جامعه پژوهش و جز آن؛
- ذکر مواردی در چکیده که ضرورتی ندارد؛ مانند توضیح جزئیات روش و آزمون‌های آماری و گاه خلط یافته‌ها و نتیجه‌گیری در چکیده‌های ساختاریافته؛
- تبیین ناکافی روش پژوهش؛
- گنجاندن دانش عمومی غیرلازم و بدیهی مانند بیان مسلمات آماری و تعریف چند باره اصطلاحات؛
- بی‌دقتی در انتخاب عنوانی گویا و رسا برای جداول و نمودارها؛
- اشاره نکردن به جداول و نمودارها در متن، با وجود نقل داده‌هایی از آنها؛
- تکرار داده‌های جداول و نمودارها در متن، بی‌کم و کاست و بدون تبدیل آنها به اطلاعات (مثلاً با خلاصه کردن داده‌ها)؛
- گزارش نادرست و یا ناقص آزمون‌های آماری؛
- آوردن «یافته‌ها» در بخش «بحث و نتیجه‌گیری» و برعکس؛

- خلاصه کردن صرف یافته‌ها در نتیجه‌گیری به‌جای بحث، تحلیل و طرح کردن دیدگاه اندیشمندانۀ نویسنده یا پژوهشگر؛
- ناهمخوانی چکیده فارسی با چکیده انگلیسی؛
- استفاده از اصطلاحات تخصصی غیرمتداول یا غلط (مثلاً تی یک‌سویه به‌جای تی تک‌نمونه‌ای)؛
- وجود اصطلاحات دال بر اسلوب پایان‌نامه‌ای که البته در هیچ جای نوشته وجود ندارند (عباراتی مثل فصل ۴ و پیوست)؛
- نایکدستی در استناددهی و تنظیم منابع و مآخذ.

بحث و نتیجه‌گیری

درست است که زبان طبیعی زبانی آزاد است و با ساخت‌هایی متنوع از آن می‌توان مقاصد خود را بیان کرد، خارج شدن از چارچوب تعیین‌شده برای این آزادی -که آن را زبان معیار، متون ادبی، فضلا و دستورنویسان زبان دیکته می‌کنند- کارکرد اصلی زبان، یعنی ارتباط با دیگران را دشوار و چه بسا ناممکن کند. امروزه زبان فارسی بیش از هر زمان دیگری در معرض این دشواری قرار گرفته است؛ چون گرده‌برداری، نایکدستی در کاربرد واژگان علمی، عربی‌نویسی و سره‌نویسی، فرنگی‌مآبی و ... به علت آسان شدن تبادل علمی-فرهنگی با دیگر کشورها و رواج یافتن خودانتشاری در محیط مجازی و ... بیش از گذشته است. حوزه‌های علمی، از جمله رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی هم به این دشواری مبتلاست و سوگمندانۀ «آیین بدنویسی» به آن هم راه یافته است.

اگر در نوشتن به زبان فارسی دقت نکنیم، بیم آن است زبان غیرمعیار و بی‌قاعده در بلندمدت به سبب تغییر شمّ زبانی ما پدید آید و ارتباط نوشتاری به این زبان، دشوار و دشوارتر شود. درست نوشتن وظیفه‌تمامی اهل زبان، فارغ از رشته و تخصص آنان است.

در کنار آموزش تخصصی رشته، آموزش زبان و ادبیات فارسی در دروس دانشگاهی با نگاهی مسئله‌گرا بجاست. نویسندگان باید در تدوین دستنوشته‌های ارسالی به مجلات دقت کنند. داوران و

ویراستاران این مقالات نقش ارزنده‌ای در گوشزد کردن نارسایی‌های ویرایشی و اصلاح آنها دارند و تیزبینی و وسواس آنان بیشتر این کاستی‌ها را آشکار و رفع می‌کند. لازم است مقالات منتشرشده را از نظر ویرایش محتوایی و تخصصی دقیق‌تر بررسی کرد. پژوهشی مستقل در باب مسائل ویرایشی در متون ترجمه شده رشته نیز ضرورت دارد. پیشنهاد می‌شود مجلات در هر شماره یا در تارنمای خود صفحاتی را به بررسی مشکلات ویرایشی مقالات منتشرشده خود اختصاص دهند و نیز دستورالعمل‌هایی مبنایی برای درست‌نویسی در اختیار نویسندگان قرار دهند.

منابع

- حرّی، عباس (۱۳۷۰). آیین بدنویسی. اطلاع‌رسانی و کتابداری: آینه پژوهش، ۹: ۲-۵.
- رضایی، والی (۱۳۸۳). زبان معیار چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ نامه فرهنگستان، ۲۳: ۲۰-۳۵.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۷). راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی. تهران: علم.
- سمیعی، احمد (۱۳۸۹). نگارش و ویرایش. تهران: سمت.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۱). دستور خط فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار).

